



<http://doi.org/10.22133/ISIA.2024.440839.1069>

تأثیر مؤلفه‌های پایداری فرهنگی در تزئینات و ساختارکالبدی در خانه‌های آرامنه (دوره صفوی)

نگار زارع^۱، عسل باقریان^۲، مهران کاراحمدی^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، مهندسی معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه غیردولتی شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران.

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، مهندسی معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه غیردولتی شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران.

^۳ استادیار و عضو هیئت علمی، مهندسی معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه غیردولتی شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
مقاله پژوهشی	خانه‌ها به غیر از سکونت، کارکردهای متفاوت دیگری نیز دارند؛ از جمله بستر وقوع فعالیت‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هستند. علاوه بر این، ساختارکالبدی خانه‌ها و نما و تزئینات آن‌ها از موقعیت‌های اجتماعی، اقلیمی، سیاسی و فرهنگی منطقه و ساکنان آن متأثر است و به همین دلیل است که از حیث ظاهر خانه‌ها در نقاط مختلف و همچنین سبک و ویژه آن‌ها در یک منطقه تنوع بسیار زیادی را شاهدیم. پایداری فرهنگی در قالب حفظ هویت فرهنگی، رواداری تغییر در انطباق با ارزش‌های فرهنگی مردمان تعریف می‌شود و با آگاهی از مؤلفه‌های پایداری فرهنگی، صورت و سیرت معمارانه یک بنا می‌تواند به‌مثابه محصولی فرهنگی جلوه کند. حضور آرامنه در جلفای اصفهان، با فرهنگی متفاوت با اکثریت باعث شد این پژوهش با هدف بررسی مؤلفه‌های پایداری فرهنگی بر نوع ساخت خانه‌های این منطقه انجام شود. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که پایداری فرهنگی به حفظ فرهنگ‌ها و سنت‌های متنوع و درعین حال ترویج تبادل قابل احترام متقابل فرهنگی، درک و همکاری در جوامع مختلف اشاره دارد و از میان مؤلفه‌های ذکر شده برای پایداری فرهنگی، در عناصر خارجی خانه‌های پژوهش شده، به‌ترتیب مؤلفه‌های نظم، مردم‌واری، اقلیم و امنیت روانی و همچنین مؤلفه‌هایی چون امنیت روانی، تعادل در نظم و سازمان‌دهی در عناصر داخلی اهمیت بسیاری دارند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۰	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶	
واژگان کلیدی: پایداری فرهنگی ساختارکالبدی و تزئینات در معماری محله جلفا در اصفهان خانه‌های تاریخی آرامنه	
*نویسنده مسئول رایانامه: zare.negar07@gmail.com	

نحوه استناددهی:

زارع، نگار، باقریان، عسل، و کاراحمدی، مهران (۱۴۰۲). تأثیر مؤلفه‌های پایداری فرهنگی در تزئینات و ساختارکالبدی در خانه‌های آرامنه (دوره صفوی). مطالعات میان‌رشته‌ای معماری ایران، ۲(۴)، ۱۴۱-۱۶۳.

ناشر: دانشگاه علم و فرهنگ <https://www.usc.ac.ir>

مقدمه

خانه مکانی است برای سکنی‌گزیدن و سرپناهی است برای زندگی؛ اما اهمیت آن تنها به‌عنوان سرپناه نیست؛ بلکه می‌تواند محیطی برای شکل‌گیری فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی باشد (پدرام و حریری، ۱۳۹۵، ص ۷۵). همچنین شکل و ساخت خانه با موقعیت‌های اجتماعی، جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی هر منطقه‌ای پیوند خورده و از آن تأثیر پذیرفته است. خانه می‌تواند مکانی برای تبلور هنرهای گوناگون معماری، نقاشی، منبت‌کاری و... نیز باشد؛ بنابراین بررسی خانه فراتر از ساختمانی دارای ویژگی‌های فیزیکی، از رویکردی فرهنگی و هنری بسیار حائز اهمیت است (منوچهر، ۱۴۰۰، ص ۴۸).

بافت‌های تاریخی شهرهای جهان دارای ارزش‌های قابل تأملی است. شناخت این ارزش‌ها و زنده‌سازی دوباره الگوهای کالبدی آن‌ها می‌تواند برای سامان‌بخشی به معماری و شهرسازی پسا مدرن به‌کار آید که در بی‌هویتی سبک بین‌الملل غوطه‌ور بسان یک بیماری مسری در حال تخریب اصالت فرهنگی و پایه‌های بنیادین دستاورد قرن‌ها تجربه سعی و خطاست (خدابخشیان، ۱۳۸۵، ص ۱۸۵). در محیط‌های شهری، ساختارکالبدی و معماری ساختمان‌ها نه تنها نشان‌دهنده تاریخ و تاریخچه یک منطقه هستند، بلکه به‌عنوان اجزای مهمی از فرهنگ و هویت جامعه محلی عمل می‌کنند. در این راستا، محله جلفا در شهر اصفهان به‌عنوان یکی از محله‌های تاریخی معروف و مهم، میزبان جامعه آرامنه زنده و فعال است که تاریخ و فرهنگ خود را به‌شکلی منحصر به فرد در ساختارکالبدی و تزئینات خانه‌های تاریخی خود بیان کرده است.

تحلیل‌ها حاکی از هدفمند بودن استفاده از جزئیات کالبدی و تقلیدی نبودن عوامل گوناگون خانه‌های ارمینان جلفای نو است. شناخت و احیای الگوهای سازمان‌یافته در خانه‌های تاریخی جلفای نو می‌تواند در جهت زنده‌سازی دوباره هویت از دست رفته بافت این محله مؤثر باشد (خدابخشیان، ۱۳۸۵، ص ۱۸۵). ساخت خانه‌ها و نمای درونی و بیرونی آن متأثر از موقعیت فرهنگی منطقه و ساکنان آن است و به همین دلیل است که از حیث ظاهر خانه‌ها در نقاط مختلف و همچنین سبک ویژه آن‌ها در یک منطقه تنوع بسیار زیادی را شاهدیم. یکی از ویژگی‌های موقعیتی حائز اهمیت اصفهان، حضور آرامنه در منطقه جلفای اصفهان است که از نظر فرهنگی با سایر ساکنان اصفهان، یعنی مسلمانان، متمایز بوده‌اند و این سؤال مطرح می‌شود که این تمایز فرهنگ در بستر اصفهان با فرهنگ غالب مردم، چگونه خود را در خانه‌های آرامنه نمایان کرده است (منوچهر، ۱۴۰۰، ص ۴۷).

این امر باعث شد که در این پژوهش، به خانه‌های تاریخی که اکثراً بدون ایجاد تغییرات اساسی در آن‌ها و در محله جلفای اصفهان باقی مانده‌اند پردازیم و ساختارکالبدی و تزئینات را در این خانه‌ها از منظر تأثیر فرهنگ آرامنه در کنار ویژگی‌های معماری آن دوره در ایران، بررسی کنیم. هدف اصلی این پژوهش، بررسی پایداری فرهنگی در ساختارکالبدی و تزئینات خانه‌های تاریخی آرامنه در محله جلفا در شهر اصفهان است و دیگر اهداف این پژوهش شامل شناخت و بررسی پایداری فرهنگی و شاخص‌های آن، شناخت و بررسی تأثیر پایداری فرهنگی در خانه‌های تاریخی آرامنه در دوره صفوی و شناخت شیوه معماری ابنیه آرامنه و ساختارکالبدی و تزئینات، در خانه‌های تاریخی آرامنه در محله جلفای شهر اصفهان است. پژوهش حاضر در تلاش است در راستای این تحقیق، به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

(۱) پایداری فرهنگی چیست و چه مؤلفه‌هایی دارد؟

(۲) ویژگی‌های شیوه معماری ابنیه آرامنه چیست و چگونه از این ویژگی‌ها در ساختارکالبدی و تزئینات خانه‌های تاریخی آرامنه در محله جلفای شهر اصفهان استفاده شده است؟

(۳) ساختارکالبدی و تزئینات خانه‌های تاریخی آرامنه در محله جلفای شهر اصفهان از منظر عوامل پایداری فرهنگی تأثیرگذار چگونه‌اند؟

پیشینه و مبانی نظری پژوهش

کاراپتیان (۱۳۸۵) در کتابی تحت عنوان خانه‌های آرامنه جلفای نو اصفهان به مستندسازی و گونه‌شناسی سیزده خانه آرامنه جلفا می‌پردازد. زمانی (۱۳۸۷) طی تحقیقی با عنوان «تأثیرپذیری تزئینات کلیساهای اصفهان از معماری دوره صفویه» این مسئله را بیان کرده است که کلیساهای اصفهان در دوره صفوی از لحاظ فرم و نوع تزئینات بسیار شبیه به معماری دوره صفوی است، از جمله عناصری مانند عبارات مذهبی مسیحی که همانند عبارات مذهبی در مساجد است. در سبک‌های تزئینی، آجرکاری، کاشی‌کاری، استفاده از نقوش هندسی نیز همانند معماری باشکوه عصر صفوی در اصفهان است. قدوسی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «پایداری فرهنگی، معماری و مدیریت شهری» به این نکته اشاره کرده

است که بررسی فرهنگ در هر جامعه‌ای، به بررسی مظاهر فرهنگ در آن جامعه وابسته است و مظاهر فرهنگی نمایان‌کننده تمامی ویژگی‌های پیدا و پنهان فرهنگی در جوامع انسانی است. پدرام و حریری (۱۳۹۵) در پژوهش خود تحت عنوان «خانه‌های تاریخی با نقشی فراتر از مسکن در بافت تاریخی اصفهان» به این نتیجه رسیده‌اند که تأثیرات ارتباط فضای کار و خانه، در فرم و کالبد بنا به خوبی دیده می‌شود. پورنادری و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان «شناخت تحولات ریخت‌شناختی کلیساهای ارمنی جلفای نو در تعامل با معماری اصفهان» دریافتند که در مقایسه با معماری شاخص اصفهان این دوره، تحولات ریخت‌شناختی ساختمان‌ها نشان‌دهنده گرایش به ایرانی شدن سبک معماری است. سخی‌نیا و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «پایداری فرهنگی، تراکم و گونه‌شناسی مسکن، مطالعه‌ی موردی: نمونه‌هایی از عرصه‌های مسکونی کلانشهر تبریز» از میان ابعاد و شاخص‌های پایداری فرهنگی، شش نمونه را به‌منزله مهم‌ترین ابعاد تشخیص داده‌اند. در پژوهشی از حکمت‌پناه دهکردی و کاراحمدی (۱۴۰۰) با عنوان «بررسی مؤلفه‌های معماری پایدار در خانه‌های تاریخی ارمنیان جلفای نو اصفهان» به این مسئله اشاره کرده‌اند که در جلفا، منطقه ارمنی‌نشین اصفهان، خانه‌هایی وجود دارد که با کمترین دخل و تصرف، ویژگی‌های اصیل معماری اسلامی - مسیحی را حفظ کرده‌اند و با وجود صاحبان ارمنی، معماری این نوع خانه‌ها با معماری اسلامی مکتب اصفهان مطابق است؛ اما تزئینات آن‌ها مفاهیمی کاملاً مسیحی دارد. سیمونی و حجت^۱ (2016) در مقاله «هویت معماری و نقش حیاتی کلیساهای ارمنی در اصفهان» به این نتیجه رسیده‌اند که معماری کلیساهای اصفهان از معماری دوره صفوی متأثر است و نشان‌دهنده معماری کلاسیک کلیسای ارمنی به شیوه‌ای جدید است که با معماری قدیمی و شرایط جدید شکل گرفته است. همچنین ینگیمولکی^۲ (2023) در پژوهش خود با عنوان «ظهور یک هویت جدید ارامنه در اصفهان صفوی» با بررسی معماری ارمنی در اصفهان، مطالبی به دست آورده است که نشان‌دهنده اقتباس و تخصیص عناصر معماری محلی، ایجاد حس تعلق و هویت مشترک برای به‌دست‌آوردن درکی جامع است و بافت فرهنگی و سیاسی وسیع ایران در دوره صفوی، تنوع زیادی داشته است. با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، مشخص می‌شود که توجه چندانی به تأثیر فرهنگ در معماری ارامنه و به‌خصوص در محل زندگی آن‌ها نشده است. این امر باعث شد در این پژوهش، به خانه‌های تاریخی که اکثراً بدون تغییرات اساسی در آن‌ها و در محله جلفای اصفهان باقی مانده‌اند بپردازیم و ساختارکالبدی و تزئینات را در این خانه‌ها از منظر تأثیر فرهنگ ارامنه در کنار ویژگی‌های معماری آن دوره در ایران، بررسی کنیم.

پایداری فرهنگی

تعریفی از توسعه پایدار مفهوم ارتقای کیفیت زندگی همراه با پشتیبانی از زیست‌بوم است (World Conservation Union, 1991). توسعه پایدار فرایندی جامع و مبتکرانه است که باید به‌صورت مداوم نگرش و پوششی رو به جلو داشته باشد (Newman & Kenworthy, 1999). توسعه پایدار بر ارزش‌ها و عقاید متغیر جامعه محلی یا جهانی مبتنی است (Garrett et al., 2003). تمرکز و اهداف ویژه هر بعد از توسعه پایدار این‌گونه بیان می‌شود که در بعد محیطی، تمرکز بر منابع محیطی و مسئولیت حفظ و نگه‌داری از آن‌هاست که به پایداری محیطی منجر می‌شود. در بعد اقتصادی، تمرکز بر دسترسی به اطلاعات و امکانات به‌منظور تحقق عدالت و امکان رقابت‌پذیری است؛ به‌منظور تحقق پایداری اجتماعی بر عدالت اجتماعی و تساوی حقوق تمرکز می‌شود و بالاخره تمرکز رویکرد پایداری فرهنگی، بر هویت فرهنگی است و هدف آن دستیابی به تنوع و تمایز یا به‌بیان‌دیگر، تحقق تنوع فرهنگی است (صالحی میلانی و محمدی، ۱۳۸۹، ص ۸۴). ادوارد بارنت تایلور بیان می‌کند: فرهنگ، کلیت درهم‌تافته‌ای است شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات و هرگونه توانایی و عادت‌هایی که آدمی همچون هموندی از جامعه به‌دست می‌آورد (آشوری، ۱۳۹۷، ص ۷۵). همچنین هیلر بیان می‌کند: باورها، نظام‌های فکری، فنون علمی، راه و روش‌های زندگی، رسم‌ها، سنت‌ها و تمامی شیوه‌های کردار که جامعه بدان سازمان می‌بخشد، فرهنگ نامیده می‌شود. بنا به این تعریف، فرهنگ شامل تمامی کرد و کارهایی است که در جامعه از روابط میان افراد شکل می‌گیرد و یا از یک گروه اجتماعی آموخته می‌شود، ولی صورت‌های خاصی از رفتار را در بر نمی‌گیرد که زاده‌ی سرشت ارثی‌اند (آشوری، ۱۳۹۷، ص ۴۸). منظور از تنوع فرهنگی، شیوه‌های مختلف تجلی فرهنگ نزد گروه‌ها و جوامع است که در میان آن‌ها دست‌به‌دست می‌شوند و از طریق روش‌های متنوع خلق، تولید، توزیع و ارزش‌نهادن متجلی می‌گردند (UNESCO, 2005; UNESCO, 2001). با استفاده از هنر و فرهنگ به‌منزله ابزار، توسعه فرهنگی جامعه قادر خواهد بود که امکان معرفی مدل‌های مناسب

1. Eisa Hojjat

2. Yengimolki

پایداری را درون جامعه فراهم سازد (Mills & Brown, 2004). طبق بررسی‌های انجام‌شده از میان مفاهیم مختلف، شش مفهوم به‌منزله مهم‌ترین مفاهیم در پایداری فرهنگی تشخیص داده شده است (جدول ۱).

جدول ۱: ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های پایداری فرهنگی (سخی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۶۹)

ابعاد پایداری فرهنگی	مؤلفه‌های پایداری فرهنگی	شاخص‌های پایداری فرهنگی
عدالت و مساوات	تعادل در نظم	بهینه در ارتفاع
		بهینه در پوشش فضایی
		هماهنگی با واحدها
ارتباط با طبیعت	فضای سبز	زیبایی‌شناسی
	اقلیم	آرامش و آسایش
	دید و منظر	نور و سایه خط آسمان
تناسبات و هندسه	نظم	ارتباط بصری با بیرون یکپارچگی در کالبد و منظر سلسله‌مراتب
	سازمان‌دهی	دسترسی‌پذیری بصری
	مردم‌واری	آسانی جهت‌یابی تناسبات انسانی
	محرمیت	ضرورت اختفای حضور ضرورت اطلاع‌نداشتن از درون ضرورت اطلاع‌داشتن از بیرون ضرورت اعلام حضور
حریم و محرمیت	قلمروپایی	حس مکان و تعلق تقویت نظارت
	امنیت روانی	مدیریت بحران عوامل طبیعی مدیریت بحران عوامل غیرطبیعی
ایمنی و امنیت	امنیت فیزیولوژیک	فرم فضاها کافی‌بودن فضاها تنوع فضاها خلوت و ازدحام مناسب نظارت بصری (اشرافیت) فضای سبز
	اجتماع‌پذیری	مشارکت و تعامل

فرهنگ ارامنه

از آنجاکه هویت قومی هویتی با محتوای فرهنگی است و شامل عناصری مثل نمادها، اسطوره‌ها، خاطرات، آداب و مناسک خاص است، بقای این عناصر هویتی را در طول نسل‌های متوالی، می‌توان دلیلی بر پایداری و بقای هویت قومی آن‌ها دانست (اسمیت، ۱۳۸۳، ص ۸۴-۸۶). بقای هویت قومی یک گروه در یک جامعه میزبان بستگی به عوامل و شرایط مختلفی، از جمله شدت و قوت عناصر هویتی قوم اقلیت و سازوکارهایی دارد که باعث ماندگاری آن در برابر فرهنگ اکثریت می‌شود، همچنین شرایط اجتماعی جامعه میزبان به بقای عناصر هویتی آن‌ها کمک می‌کند (مهدوی و توکل‌قینانی، ۱۳۸۸، ص ۷۳). ارامنه با عنوان یک اقلیت ملی - مذهبی با آداب و رسوم و فرهنگ رویه خود در برگزاری مراسم مذهبی و دیگر امور فرهنگی اجتماعی و سیاسی خود از آزادی کامل خود برخوردار بوده و در طی این دوران طولانی توانسته‌اند نه تنها هویت ملی - مذهبی خود را حفظ کرده، بلکه در اعتلا و پیشرفت جامعه خود نیز کوشا باشند (بشیر و سلیمان‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۱۳۲). عناصر

هویتی ارامنه را بر مبنای دسته‌بندی آنتونی اسمیت، می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد؛ عناصر عینی هویت ارامنی عبارت‌اند از: مذهب یا کلیسای ارامنی، زبان، خط، موسیقی، سرزمین و مرزهای سرزمین، آداب و رسوم و سنت‌های ارامنی (جشن‌ها و اعیاد خاص کلیسای ارامنی مانند جشن آب‌پاشی، جشن اختراع خط ارامنی، و جشن ترجمه) و نمادها (آارات) و... عناصر ذهنی هویت ارامنی عبارت‌اند از: احساس تعلق به جامعه ارامنی، احساس برگزیدگی (اسطوره برگزیدگی، اسطوره هایک و بل)، ایده بازگشت به سرزمین اصلی، رخداد‌های تاریخی (نسل‌کشی ارامنه) (مهدوی و توکلی قینانی، ۱۳۸۸، ص ۸۴). ارامنه توانسته‌اند در فضاهای سکونت خود به یک رابطه باثبات و محافظه‌کارانه دست یابند و سبک زندگی‌شان را مدیریت کنند. در واقع، آن‌ها به لحاظ ارتباطی، حریم‌های بسته‌تر و محدودتری دارند. ارامنه در انتخاب افرادی که با آن‌ها رفت و آمد می‌کنند، بسیار محافظه‌کار هستند و می‌توان گفت به جز چند نفر «دوست»، بقیه افرادی که با آن‌ها رفت و آمد می‌کنند، از هم‌کشیشان خودشان هستند (بشیر و سلیمان زاده، ۱۳۹۳، ص ۱۴۰).

ساختار کالبدی و تزئینات در معماری

حیاط به عنوان خصوصی‌ترین فضای باز و باغ درون شهر دور از چشم غیر باقی می‌ماند. این ویژگی خانه سنتی است که حیاط را در مرتبه‌ای بالاتر از مفهوم فضای باز قرار می‌دهد. خانه‌ها به صورتی فشرده پشت تا پشت تنها نگاه به حیاط دارند. از بیرون نیز دیوارهای بلند حد خارجی خانه را معین کرده است. اتصال به حیاط یا قلب خانه تنها از طریق دروازه ورودی صورت می‌گیرد؛ ولی هیچ‌گاه این اتصال مستقیم نیست؛ بلکه در پس در ورودی هشتی قرار گرفته است و سپس طی دالان رسیدن به حیاط میسر می‌شود. فضای خانه سنتی در سطوح افقی و قائم نظم می‌گیرد در سطح افقی بر اساس سلسله‌مراتب دسترسی از بیرون (حوزه خیلی عمومی) و لایه‌بندی نور و تاریکی نسبت به هسته مرکزی حیاط است و در سطح قائم بر اساس مسیر و خیز آب تعیین می‌شود. سر در ورودی، هشتی، دالان و حیاط ردیف سلسله‌مراتب فضایی است که با حفظ حریمیت باغ درونی، دسترسی به اندرون خانه را ممکن می‌سازد. لایه‌های اطراف حیاط به ترتیب مکان اتاق‌هاست که مستقیماً با نور، آب، گیاه، هوا و بطور کلی با باغ درونی در تماس هستند (پارسایی و جمشیدی، ۱۳۹۵).

اتاق‌های سهدری، پنج‌دری، تالار و بادگیر، ارسی، بالاخانه، گوشوار و نیز تختگاه در اطراف حیاط جا می‌گیرند. در لایه دوم نسبت به حیاط، فضاها به علت دوری از حیاط، ناگزیر از بهره‌گیری نور سقفی است. فضاهای آشپزخانه، هشتی، پستو، انباری و آب‌ریزگاه در این ردیف قرار می‌گیرند (پارسایی و جمشیدی، ۱۳۹۵).

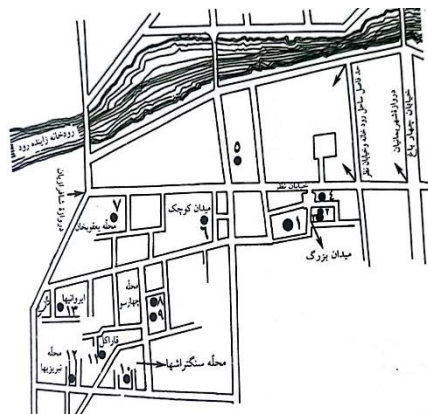
تزئینات در معماری ایرانی از چندین اصل بنیادی پیروی می‌کرده است. نخستین آن اصل بی‌زمانی و بی‌مکانی نقوش است؛ بدان معنا که نقوش به کاررفته در تزئینات هنری متعلق به دوره یا زمان خاص یا فقط به کاررفته در مکان یا هنری خاص است. همان نقشی که در اصفهان دوره صفوی به کار رفته، در خراسان دوره سلجوقی، هم در معماری و هم در سایر هنرها نیز به کار رفته است. اصل دیگر اینکه در تزئین، چه روی اشیا و چه روی بنای هر نقشی، جزئی از یک الگوی کلی بود که هم اجزای نقش خود کامل بودند و هم در کنار هم قرارگیری این اجزا، خود نقشی کامل را ایجاد می‌کرد. ویژگی دیگر نقوش قابلیت گسترش آن‌ها تا بی‌نهایت یا کاهش آن‌هاست (تقوایی، ۱۳۹۸، ص ۱۲۲-۱۲۳).

در معماری صفوی هیچ کاری فقط به خاطر تزئین انجام نمی‌شد؛ بلکه در پس هر عنصر تزئینی دلیلی فنی، کاربردی یا متعالی وجود داشت. معماری صفوی از مجموعه‌ای قواعد و اصول هنری و ریاضیات فرمی بهره می‌برد. نقوش هندسی معماری صفویه بر پایه تعبیرات و فرم‌های اصلی دایره، مربع، مثلث، مستطیل، لوزی، دوزنقه و... است که با ابزارهای نقطه خط و سطح ساخته می‌شود. این نقوش پیچیده و زیبا ساختار ساده‌ای دارند و از تکرار واحدهای دایره، مربع و مثلث به دست می‌آیند. در معماری صفوی از تکرار و تقسیمات بعدی و افزودن خطوط مستقیم و منحنی، طرح‌های نامحدودی به وجود آوردند. نقوش هندسی از دیرباز مورد توجه ایرانیان بوده و در خلق آثار پرشکوهشان بعد از قرن پنجم هجری قمری به اهمیت خاصی نیز رسید. کاشی‌کاری، گچ‌بری، نگارگری، سنگ‌کاری و غیره از جمله تزئینات این دوره است (کریمی، ۱۴۰۰).

محله جلفای اصفهان

محله به منزله یک مکان - رفتار مهم، علاوه بر ظرفیت‌های فراوان اجتماعی، فرهنگی و کالبدی، نقش شایان توجهی در محله‌گزینی و گرایش به سکونت دائم شهروندان دارد (دانائی‌نیا و ترکی باغبادرانی، ۱۳۹۹، ص ۵۳). جلفا واقع در جنوب زاینده‌رود و از محلات ارزشمند تاریخی

اصفهان با قدمت صفوی است که به‌سبب تفاوت فرهنگی - مذهبی شهروندان خود، بافت و معماری متفاوت با سایر محلات شهر دارد (شکل ۱). محله جلفا محل سکونت آرامه‌ای است که حدود سیصد سال پیش در این منطقه ساکن شدند. هرچند وضع کنونی محله، یکپارچگی و اصالت گذشته را ندارد؛ هم‌زیستی از هر گرایش مسیحیت تأثیر مستقیمی روی این محله گذاشته است (دانائی‌نیا و ترکی باغبادرانی، ۱۳۹۹، ص ۵۹).



شکل ۱: نمایش محله جلفا در اصفهان (اعرابی هاشمی، ۱۳۹۴، ص ۴۳۸)

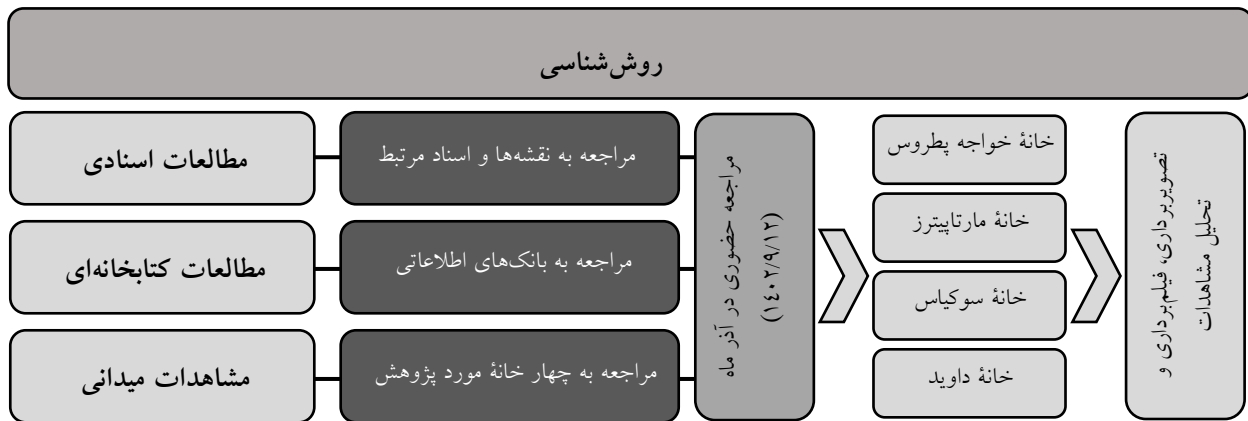
خانه‌های تاریخی آرامنه جلفای اصفهان

تعداد خانه‌های جلفا در بین سال‌های ۱۰۷۶ تا ۱۰۸۸ قمری بالغ بر ۳۴۰۰ تا ۳۵۰۰ خانه بوده است که بیشتر خانه‌های خوب و مجلل در امتداد رودخانه ساخته شده است. برخی از آن‌ها زرنگار و چنان باشکوه و عالی است که می‌توان آن‌ها را در ردیف قصرها و کاخ‌های سلطنتی به‌شمار آورد (اعرابی هاشمی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۱). بنابر متون تاریخی ارمنیان جلفای نو اصفهان علاقه‌ای وافر به ساخت خانه شخصی در حد توان خود داشتند و به محض آن‌که توان مالی لازم را به‌دست می‌آوردند دست به ساخت بناهای مسکونی مجلل می‌زدند. به‌عبارت‌دیگر، سکونت در خانه استیجاری نزد ارمنیان جلفای نو عیب محسوب می‌شد (پطروسیان، ۱۹۷۴).

به‌لحاظ گونه‌شناسی کلی، خانه‌های جلفای نو اصفهان به دو تیپ کلی درون‌گرا و برون‌گرا تقسیم می‌شوند. از درون‌گرایی معانی گوناگونی را می‌توان استنباط کرد. واژه درون‌گرایی به معنای توداربودن گرایش به حالت درونی و پرهیز از نشان‌دادن آن حالات به‌صورت تظاهر است. نپرداختن به ظاهر و کار بر روی درون و حالات درونی به‌دلیل اقلیم گرم مناطق مرکزی ایران به عرصه معماری این نواحی نیز راه گشوده است؛ تاجایی‌که معماری این مناطق را از این نظر که در نمای بیرون آن و در گذرهای پریچ‌وخم، چیزی جز بدنه‌های خشتی و گلی دیده نمی‌شود؛ اما در داخل این بناها پرکاری و زیبایی وجود دارد درون‌گرا نامیده‌اند (معماریان، ۱۳۸۷).

روش تحقیق

به‌منظور بررسی تأثیر مؤلفه‌های پایداری فرهنگی در تزئینات و ساختار کالبدی در خانه‌های آرامنه که هدف کلی این پژوهش است و براساس جدول به‌دست‌آمده پژوهش، ساختار کالبدی و تزئینات در خانه‌های آرامنه محله جلفای اصفهان بررسی شده است. این پژوهش از نوع کاربردی است که با رویکردی کیفی و به روش توصیفی - تحلیلی به کمک مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و همچنین مشاهدات میدانی به موارد فوق می‌پردازد. اطلاعات جمع‌آوری‌شده، با روش استدلال و استنتاج منطقی تحلیل و تفسیر و در روند پژوهش به‌کار گرفته شد. در ابتدا، به پایداری فرهنگی و فرهنگ آرامنه و کالبد و تزئینات معماری خانه‌های آن‌ها پرداخته شد و سپس براساس مؤلفه‌های پایداری فرهنگی به بررسی چهار خانه تاریخی خواجه پطروس، مارتاپتیرز، سوکیاس و داوید می‌پردازیم که در دوره صفوی ساخته شده و متعلق به قشر سرشناس و بازرگانان مشهور آن زمان بوده است. برداشتها در یک بازه زمانی و در زمان حاضر بوده و تزئینات و عناصر کالبدی در هر خانه محور توجه قرار گرفته است. شکل ۲ مدل روش شناختی پژوهش را نشان می‌دهد.



شکل ۲: مدل روش‌شناختی پژوهش

یافته‌های پژوهش

در این بخش، تزئینات و ساختار کالبدی در خانه‌های تاریخی ارامنه جلفای اصفهان، با توجه به مشاهدات میدانی و مطالعات انجام‌شده بررسی می‌شود.

جلفای نو (جلفای اصفهان) یکی از مراکز مهاجرت و اسکان ارامنه در ایران و جایگاه کلیساها و خانه‌های زیبا و پرشکوه بوده است. از آن‌همه خانه، تنها تعدادی اندک برجای مانده است و همین تعداد اندک کافی است تا شکوه و عظمت آن‌ها را گواه باشد (کاراپتیان، ۱۳۸۵، ص ۷). محله جلفا دارای ۱۴۱ خانه با ارزش تاریخی است که در این میان، ۲۲ خانه در فهرست آثار ملی ایران قرار دارند.









خانه‌های شاخص جلفای نو متعلق به تجار بزرگ، روحانیون یا بزرگان بود. این خانه‌ها معمولاً از دو بخش تابستان‌نشین و زمستان‌نشین تشکیل می‌شد و بیشتر آن‌ها در قسمت سایه خانه (پشت به آفتاب) دارای زیرزمین بود که در آن، مواد خوراکی و آشامیدنی نگهداری می‌شد. برخی از این خانه‌ها سه طبقه بود و برخی فضاهایی مخصوص زنان داشت (کاراپتیان، ۱۳۸۵، ص ۷). گونه‌شناسی خانه‌های ارامنه حاصل از پژوهش‌ها، حاکی از آن است که در خانه‌های درون‌گرا از نظر کالبدی ارتباط بصری فضاهای سکونتی درونی بنا فقط با حیاط خانه است؛ درحالی‌که در گونه برون‌گرا، خانه‌هایی طبقه‌بندی می‌شود که بنا در پوسته خارجی خود دارای ارتباط بصری با گذرگاه‌های عمومی است. این ارتباط در برخی از خانه‌های جلفا در قالب ایوان دیده می‌شود. بنابر تعاریف یادشده، گونه درون‌گرا خود می‌تواند شامل گونه‌های مختلفی باشد؛ از جمله خانه‌هایی با حیاط مرکزی و جبهه‌های متعدد یا خانه‌هایی با گوشک در درون باغ با دیوار محصور در اطراف آن (خدابخشیان، ۱۳۹۴، ص ۱۹۱).

تقسیم‌بندی گونه‌های درون‌گرا و برون‌گرا در کتاب‌های گوناگون به شیوه‌های مختلف صورت گرفته است؛ برای مثال گونه گوشکی را، که بخش سکونتی در آن هیچ‌گونه ارتباطی با بدنه‌های خارجی بنا ندارد و در داخل باغ محصور است، در طبقه‌بندی گونه برون‌گرا معرفی کرده‌اند این نوع تقسیم‌بندی در موضوع حریمیت در خانه‌های جلفای نو اصفهان تردید می‌کند و خواننده را درباره وجود حریمیت در این خانه‌ها دچار شک می‌سازد؛ درحالی‌که مشرف‌بودن به باغی که با دیواری محصور است نمی‌تواند به معنای برون‌گرایی فاقد حریمیت تلقی شود. درباره حریمیت باید یادآور شد که برخلاف تصور برخی ناآشنایان با فرهنگ ارمنی، که وجود حریمیت را در این خانه‌ها در حاشیه تصور می‌کنند، ارمنیان به ایجاد حریم در خانه‌های خود بسیار متعصب بوده و برای تعریف آن در معماری راهکارهایی ارائه کرده‌اند (خدابخشیان، ۱۳۹۴، ص ۱۹۱-۱۹۲).

گونه قالب خانه‌های جلفای اصفهان درون‌گراست و شمار محدودی از این بناها شامل دو بخش درون‌گرا و برون‌گرا هستند. بنابر تعاریف فوق، بخش درون‌گرای خانه شامل حیاط‌های مرکزی با جبهه‌های سکونتی در اطراف و بخش برون‌گرا شامل ایوان یا گشودگی‌هایی بر روی پوسته خارجی رو به گذرگاه عمومی است. معضل حریمیت خانه‌های برون‌گرا در ضمن داشتن اشراف از داخل به فضای عمومی، با ارتفاع بلند ایوان و عرض کم گذر برطرف می‌شده است. در چنین شکلی از معماری، با محدودکردن دید مستقیم

از معبر عمومی به داخل بنا امکان ایجاد دید معکوس از ایوان به سمت معبر عمومی مهیا می‌شده است (خداابخشیان، ۱۳۹۴، ص ۱۹۲).

جدول ۲: تقسیم‌بندی ساختار معماری بناهای جلفا از نظر کاراپتیان (رازانی، ۱۳۹۲، ص ۶۰)

توضیحات	پلان	توضیحات	پلان
شبه گونه A به همراه یک بخش زمستان نشین	 A1	۲ به صورت کوشک	 A
شبه گونه B به همراه یک بخش زمستان نشین	 B1	۴ بنا و دیوارهای جانبی محصور و بسته و دارای دو حیاط جدا از هم	 B
بنا دارای سه جبهه با دیوارهای جانبی محصور و بسته، دارای حیاط مرکزی	 C1	۶ دارای حیاط مرکزی با دیوارهای جانبی محصور و بسته	 C
شبه گونه D که قسمت تابستان نشین ندارد	 D1	۸ دارای دو ساختمان تابستان نشین و زمستان نشین مجزا از هم	 D

خانه خواجه پطروس









خانه خواجه پطروس در شهر اصفهان، محله جلفا، خیابان حکیم نظامی، بن بست یاس واقع شده است. مساحت این خانه حدود ۱۵۰۰ متر مربع است و در سال ۱۳۷۶ شمسی با شماره ۱۹۰۶ به ثبت ملی رسیده است و اکنون ساختمان اداری حراست دانشگاه هنر اصفهان است. از نظر تقسیم بندی کاراپتیان، خانه خواجه پطروس جزو گونه هفتم یعنی قسمت تابستان نشین و زمستان نشین مجزا از یکدیگر و درون گراست. اکنون قسمت زمستان نشین این خانه تخریب شده و بناهای دیگر ساخته شدند.

سال ساخت این بنا ۱۶۶۸ میلادی به پایان رسیده است؛ یعنی زمانی که (طبق یکی از نوشته‌های موجود در تالار مرکزی) بنا بر اظهارات مالک خانه، وی اقدام به تعمیر نقاشی‌های منزل کرده است. مالک خانه در آن زمان خواجه پطروس ولیجانیان، یکی از نام‌آورترین و ثروتمندترین بازرگانان جلفا بود (کاراپتیان، ۱۳۸۵، ص ۷۱).

جدول ۳: بررسی تزئینات و ساختار کالبدی خانه خواجه بطروس

نام فضای	پلان	تصویر	توضیحات	مؤلفه پایداری فرهنگی
ورودی			- ورودی اصلی این بنا در قسمت جنوبی به دلیل تخریب قسمت زمستان نشین سالها پیش از بین رفته است.	- تعادل در نظم - مردم‌واری - قلمروپایی
هشتی	----	----	----	----
دالان	----	----	----	----
حیاط			- کف حیاط پایین‌تر از سطح معبر است. - قبل از تخریب، حیاط باغی بود که دو بخش تابستان نشین و زمستان نشین را از یکدیگر جدا می‌کرد.	- فضای سبز - اقلیم - دید و منظر - سازمان‌دهی - اجتماع‌پذیری
ایوان	----	----	----	----
اتاق			- یک تالار مرکزی تقریباً صلیبی شکل که در هر طرف آن یک اتاق مربع شکل و یک راهروی باریک قرار دارد. - تالار مرکزی به عنوان هسته میانی و نقطه شاخص بنا، ارتفاعی به اندازه دو طبقه دارد.	- تعادل در نظم - سازمان‌دهی - محرمیت - قلمروپایی - امنیت روانی
زیرزمین	----	----	----	----

عناصر کالبدی

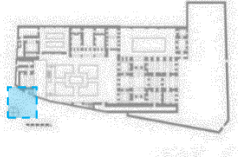
<p>-تعدادل در نظم -مردم‌واری -امنیت روانی -نظم</p>	<p>- در قسمت جنوبی دیوار اتاق مرکزی تزئیناتی به‌شکل گچبری دیده می‌شود که شامل حجم‌هایی مانند کاسه صراحی و ظروف دیگر است (تنگ‌بری).</p> <p>- در تالار دیوارنگاری بزرگی به چشم می‌خورد معروف به تابلو جنگ شاه عباس اول با عثمانیان که نبرد شاه صفوی را با قوای عثمانی، واقع در پشت دروازه‌های ایروان، به نمایش کشیده است.</p> <p>- در سقف تالار نیز ترنج بسیار بزرگی با تزئینات گل بته‌ای به رنگ مشکی و قهوه‌ای به چشم می‌خورد که با اشکال هندسی در اطراف ترنج تزئین شده است.</p> <p>- اتاق‌های اطراف تالار نیز، که قرینه یکدیگرند، تزئینات گل بوته‌ای دارند و در هریک از آن‌ها هم یک بخاری دیواری وجود دارد.</p>	       	<p>داخلي</p> <p>تزئینات</p>
<p>-تعدادل در نظم -اقلیم -نظم -مردم‌واری -محرمیت -امنیت روانی</p>	<p>- قاب پنجره‌ها غالباً چوبی و از پنجره‌های چوبی مشبک (با گره‌های هندسی نسبتاً بسته) استفاده شده است.</p> <p>- تناوب فرارگیری تالار مرکزی سهدری‌ها و راهروهای خدماتی در کنار هم در شکل نمای خارجی تأثیر گذاشته و باعث ایجاد قاب‌هایی در آن می‌شود که قوس‌هایی با دهانه بزرگ و کوچک در آن‌ها قرار گرفته است.</p> <p>- استفاده از گونه طاق و چشمه با گنبدی کم‌خیز در تالار مرکزی و طاق و تویزه در اتاق‌های بالایی.</p> <p>- استفاده از آجرکاری‌های گل‌زنجیره‌ای معقلی، رگ‌چین (حصیری)، چهارترنج، گره کند سرمه‌دان و گل صابونی.</p>	     	<p>خارجی</p>

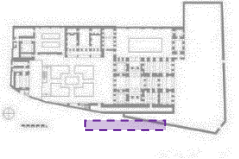
خانه مارتاپترز

خانه مارتاپترز در شهر اصفهان، چهارراه حکیم نظامی، خیابان نظر شرقی، کوچه کلیسای وانک واقع شده است. مساحت این خانه حدود ۲۵۰۰ متر مربع است و در سال ۱۳۵۳ شمسی با شماره ۹۹۰ به ثبت ملی رسیده است و اکنون ساختمان دانشگاه هنر اصفهان است. از نظر تقسیم‌بندی کاراپتیان، بنای اولیه خانه مارتاپترز جزو گونه اول یعنی بنای آزاد از هر طرف و به صورت کوشک در میان باغی ساخته شده و این خانه شامل دو بخش مسکونی کاملاً مجزا بوده است. بخش زمستان‌نشین آن به هنگام خیابان‌کشی‌ها از بین رفته است و اکنون قسمت تابستان‌نشین بنای اولیه باقی مانده است؛ البته با بررسی وضع موجود بنا، از نظر گونه‌شناسی جزو گونه ششم است؛ یعنی بنا دارای سه جبهه با دیوارهای جانبی محصور، بسته و دارای چند حیاط مرکزی است که فضاها دورتادور این حیاطها شکل گرفته و از گونه خانه‌های درونگرا نیز هست.

به سبب آن‌که یافتن مستندات یا منابع کتابخانه‌ای درباره این خانه تاکنون ممکن نبوده است، تنها بر پایه ملاحظات سبک‌شناسی به نظر می‌رسد که معماری این خانه متعلق به دوره صفوی باشد. نام قدیمی‌ترین مالک شناخته‌شده این خانه آقای جانی (گانی) است که اکنون این خانه به این نام نیز خوانده می‌شود. وی در سده نوزدهم میلادی (حدود قرن سیزدهم هجری شمسی) می‌زیست (کاراپتیان، ۱۳۸۵، ص ۱۵۷).

جدول ۴: بررسی تزئینات و ساختار کالبدی خانه مارتاپترز

نام فضا	پلان	تصویر	توضیحات	مؤلفه پایداری فرهنگی
ورودی			- ورودی فاقد تزئینات است و از کاهگل برای پوشش این جبهه استفاده شده است.	- تعادل در نظم - مردم‌واری - قلمروپایی - نظم
هشتی			- وجود هشتی برای حفظ محرمیت با چرخشی نسبت به ورودی.	- تعادل در نظم - سازمان‌دهی - محرمیت - قلمروپایی - امنیت روانی

<p>-تعدادل در نظم -سازمان‌دهی -مردم‌واری -امنیت روانی -اقلیم</p>	<p>-دالان این بنا به‌منظور هدایت از حیاط به فضاهای دیگر است و در کنترل و نگهداری از فضای اصلی نقش دارد.</p>			<p>دالان</p>	
<p>-اقلیم -فضای سبز -دید و منظر -سازمان‌دهی -نظم -امنیت روانی -امنیت -فیزیولوژیک -اجتماع‌پذیری</p>	<p>-این بنا شامل سه حیاط مرکزی است. -وجود حوض آب به‌دلیل خشکی هوا و ایجاد پروت تبخیری.</p>			<p>حیاط</p>	
<p>-اقلیم -دید و منظر -نظم -اجتماع‌پذیری -امنیت روانی -مردم‌واری</p>	<p>-دورتادور حیاطها ایوان‌های سرتاسری با نرده‌های چوبی وجود دارد که به حیاط مرکزی دید دارد.</p>			<p>ایوان</p>	
<p>-نظم -سازمان‌دهی -قلمروپایی -امنیت روانی -محرمیت</p>	<p>-تالار صلیبی‌شکل، که محور شمال-جنوبش محور اصلی ساختمان به‌شمار می‌رود، کل سازمان‌دهی معمارانه این خانه را تحت‌الشعاع قرار داده است. -در جبهه شمالی و دو طرف تالار صلیبی، دو اتاق وجود دارد که هر یک شامل بالاخانه است.</p>			<p>اتاق</p>	


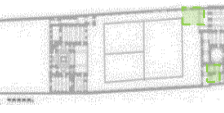

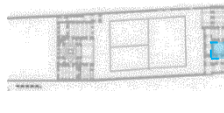
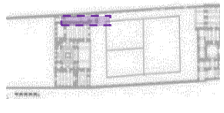

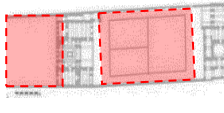

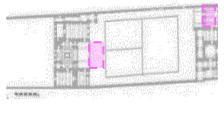
	زیرزمین			<p>-در زیر ایوان جنوبی زیرزمینی وجود دارد که با آجر و ملات رس ساخته شده است و نور آن از پنجره‌ای در کف ایوان جنوبی تأمین می‌شود.</p> <p>-اقلیم</p>
	داخلی	 	 	<p>- وجود دو چهارطاقی با تزئینات فراوان مقرنس.</p> <p>- سقف‌هایی متشکل از طاق و تویزه‌های عرضی.</p> <p>- تخت‌ها و تریج‌های مقرنس با آینه‌های کوچک مثلثی شکل یا چندضلعی پوشیده شده است.</p> <p>- گچبری‌های دست آزاد روی تویزه‌ها و جرزها.</p> <p>- نقاشی‌های دیواری.</p> <p>-تعادل در نظم</p> <p>-نظم</p> <p>-مردم‌واری</p> <p>-امنیت روانی</p>
تزیینات	خارجی	 	 	<p>- قاب پنجره‌ها غالباً چوبی و از پنجره‌های مشبک استفاده شده است.</p> <p>- استفاده از گره‌چینی برای درها و پنجره‌ها.</p> <p>- جرزهایی همراه با پیشانی در نما همچون قابی قوس‌ها را دربر گرفته است.</p> <p>- استفاده از آجرکاری‌های موج و سلی مربع قناس، هشت و چهار سلی، طبل خفته و راسته، گل‌زنجیره‌ای معقلی، موج در موج، گره در گره کند، گل صابونی و</p> <p>-تعادل در نظم</p> <p>-اقلیم</p> <p>-نظم</p> <p>-مردم‌واری</p> <p>-محرمیت</p> <p>-امنیت روانی</p>

خانه سوکیاس




خانه سوکیاس در شهر اصفهان، محله جلفا، محله تبریزی‌ها واقع شده است. مساحت این خانه حدود ۳۱۰۰ متر مربع است و در سال ۱۳۵۳ شمسی با شماره ۹۹۴ به ثبت ملی رسیده است و اکنون ساختمان دانشکده مرمت دانشگاه هنر اصفهان است. از نظر تقسیم‌بندی کاراپتیان، خانه سوکیاس جزو گونه چهارم یعنی بنا با دیوارهای جانبی محصور و بسته و دو حیاط جدا در جلو و پشت خانه وجود دارد و همچنین از گونه خانه‌های درون‌گرای ارامنه جلفا نیز هست.


با توجه به ساختار بنا و آزادسازی‌هایی که طی دهه‌ی ۱۳۵۰ شمسی در این بنا اتفاق افتاده، به‌وضوح می‌توان آن را در ساختار گونه پنجم قرار داد؛ زیرا بخش بیرونی و رو به شمال بنا کاملاً اصیل و مربوط به دوران صفوی است (رازانی و الماسی‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۶۱). طبق ادعای کارسول، در این خانه از سفیر بریتانیا پذیرایی شده است و او تاریخ ۱۶۵۵ میلادی را به‌عنوان سال ساخت آن بیان می‌کند. تاریخ بیان‌شده براساس شواهد حتمی نیست و کارسول خود اقرار کرده است که این تاریخ را از زبان مالک خانه شنیده است. نام داوید سوکیاس، قدیمی‌ترین مالک شناخته‌شده این خانه که تا امروز به گوش ما رسیده است، در هیچ منبع مکتوبی ذکر نشده است؛ اما در گذر سال‌ها، این نام سینه‌به‌سینه نقل شده است (کاراپتیان، ۱۳۸۵، ص ۱۱۹).

جدول ۵: بررسی تزئینات و ساختار کالبدی خانه سوکیاس

مؤلفه پایداری فرهنگی	توضیحات	تصویر	پلان	نام فضا
<ul style="list-style-type: none"> - تعادل در نظم - مردم‌واری - قلمروپایی - نظم 	<p>- این بنا شامل دو ورودی است که یکی از آن‌ها با حیاط مرکزی ارتباط مستقیم دارد و دیگری در فضای هشتی در قسمت زمستان‌نشین بنا قرار گرفته است.</p> <p>- گره‌چینی‌هایی در سردر ورودی بنا.</p>			ورودی
<ul style="list-style-type: none"> - تعادل در نظم - سازمان‌دهی - محرمیت - قلمروپایی - امنیت روانی 	<p>- پس از ورودی فضای هشتی با چرخشی نسبت به ورودی، فضای بیرون را به فضای داخل متصل می‌کند که مانع دید مستقیم از بیرون به داخل بنا می‌شود.</p>			هشتی
<ul style="list-style-type: none"> - تعادل در نظم - سازمان‌دهی - مردم‌واری - امنیت روانی - اقلیم 	<p>- دالان در این بنا به منظور ارتباط حیاط‌های موجود در خانه است.</p>			دالان
<ul style="list-style-type: none"> - اقلیم - فضای سبز - دید و منظر - سازمان‌دهی - نظم - امنیت روانی - امنیت - فیزیولوژیک - اجتماع‌پذیری 	<p>- حیاط میان دو بخش مسکونی در دو سوی ایوان و گنبدخانه مرکزی صلیبی شکل قرار گرفته است.</p>			حیاط
<ul style="list-style-type: none"> - اقلیم - دید و منظر - نظم - اجتماع‌پذیری - امنیت روانی 	<p>- دیوارهای ایوان با پیشانی و جرزها به سطوحی کوچک‌تر تبدیل شده و در بین این نوارها نیز طاقچه‌نماها قرار دارد.</p>			ایوان

عناصر کالبدی

<p>-نظم -سازمان‌دهی -قلمروپایی -امنیت روانی -محرمیت</p>	<p>-تالاری با سقف گنبدی و پلان صلیبی شکل و محاط در یک چهارگوش. -دو بخش کناری که هر یک شامل یک جهت اتاق است، یک اتاق در درازا و دیگری در پهنا که هر دو مستطیل شکل است.</p>			<p>اتاق</p>	
<p>----</p>	<p>----</p>	<p>----</p>	<p>----</p>	<p>زیرزمین</p>	
<p>-تعادل در نظم -نظم -مردم‌واری -امنیت روانی</p>	<p>-خانه سوکیاس از لحاظ تزئینات وابسته به معماری بسیار منحصر به فرد است و دارای تزئیناتی از قبیل نقاشی‌های دیواری، لایه‌چینی و سلاکاری، آجرکاری، تزئینات چوبی، تنگبری و ... است. -در این خانه حدود ۵۰ نقاشی دیواری در قالب فرنگی‌سازی، نقاشی ایرانی و کپی‌های بسیار دقیقی از نقاشی‌های قرن ۱۷ میلادی برابر با سده یازدهم هجری قمری وجود دارد که خود مجموعه‌ای بسیار غنی از لحاظ نقاشی در تاریخ جلفا و به‌ویژه تاریخچه فرنگی‌سازی ایران است. -زنده‌های چوبی با گره‌چینی‌های هندسی. -رسمی‌بندی در بازوهای چلیپای گنبدخانه مرکزی و فضاهای انتقالی گنبد. -سقف‌هایی به‌صورت طاق و تویزه در غلام‌گردش‌ها. -حوض مرمین مستطیل شکل در وسط تالار.</p>	         	<p>داخلی</p>		<p>تزئینات</p>
<p>-تعادل در نظم -اقلیم -نظم -مردم‌واری -محرمیت -امنیت روانی</p>	<p>-قاب پنجره‌ها غالباً چوبی و از پنجره‌های مشبک استفاده شده است. -ارسی‌های بزرگ متشکل از چوب و شیشه. -وجود ستون‌های چوبی با سرستون‌های مفرنس.</p>			<p>خارجی</p>	


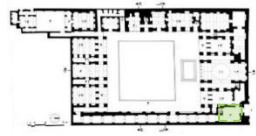

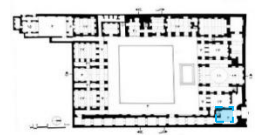
	<p>- نقاشی‌هایی شامل گل و مرغ و چهره‌هایی از زنان و مردان در جامه‌های اروپایی.</p> <p>- استفاده از آجرکاری‌های موج و سلی مربع قناس، هشت و چهار سلی، گل زنجیره‌ای معقلی، سینه‌باز یا سینه‌کفتری، حصیری و گل صابونی.</p>		
--	--	--	--

خانه داوید

خانه داوید در شهر اصفهان، محله جلفا، محله تبریزی‌ها، نبش کوچه آقا داوودی واقع شده است. مساحت این خانه حدود ۱۹۰۰ متر مربع است و در سال ۱۳۸۰ شمسی با شماره ۴۷۰۰ به ثبت ملی رسیده و اکنون ساختمان دانشکده حفاظت و مرمت دانشگاه هنر اصفهان است. از نظر تقسیم‌بندی کاراپتیمان، خانه داوید جزو گونه پنجم یعنی بنا دارای حیاط مرکزی با دیوارهای جانبی محصور و بسته در چهار طرف بنا است و نیز از خانه‌های درون‌گرای ارامنه محله جلفاست.

به سبب مستندات یا منابع کتابخانه‌ای درباره این خانه تاکنون هیچ‌گونه مدرکی که تاریخ ساخت این بنا را مشخص کند یافت نشده؛ اما با توجه به سبک و فرم معماری، آن را می‌توان به دوره صفوی نسبت داد (روضاعی‌پور، ۱۳۹۰، ص ۱۰۶).

جدول ۶: بررسی تزئینات و ساختار کالبدی خانه داوید

مؤلفه پایداری فرهنگی	توضیحات	تصویر	پلان	نام فضا
<p>- تعادل در نظم</p> <p>- مردم‌واری</p> <p>- قلمرو پایی</p> <p>- نظم</p> <p>- اجتماع‌پذیری</p>	<p>- وجود پیرنشین در دو طرف ورودی.</p>			ورودی
<p>- تعادل در نظم</p> <p>- سازمان‌دهی</p> <p>- محرمیت</p> <p>- قلمرو پایی</p> <p>- امنیت روانی</p>	<p>- هشتی یا فضای مسقفی که روشنایی کمتری به نسبت فضای بیرون دارد و چرخشی که در ورودی بنا صورت می‌گیرد مانع از دید مستقیم به فضاهای اصلی خانه می‌شود.</p>			هشتی

عناصر کالبدی

	<p>-فضای هشتی به یکی از اتاق‌های جنبه جنوبی بنا دسترسی دارد.</p>				
<p>-تعادل در نظم -سازمان‌دهی -مردم‌واری -امنیت روانی -اقلیم</p>	<p>-وجود دالان سرتاسری در یکی از جنبه‌های بنا برای ارتباط هشتی به حیاط و همچنین وجود دالان برای ارتباط فضاهایی که مستقیماً با حیاط در ارتباط نیستند.</p>			دالان	
<p>-اقلیم -فضای سبز -دید و منظر -سازمان‌دهی -امنیت روانی -امنیت -فیزیولوژیک -اجتماع‌پذیری</p>	<p>-وجود حیاط مرکزی وسیع و قرارگیری فضاها در چهار جنبه حیاط. -وجود عنصر آب (حوض آب). -کف حیاط پایین‌تر از سطح معبر قرار دارد.</p>			حیاط	
<p>-اقلیم -دید و منظر -نظم -اجتماع‌پذیری -امنیت روانی -مردم‌واری</p>	<p>-وجود رواقی مقابل سرتاسر جنبه جنوبی. -وجود ایوانچه‌هایی مقابل اتاق سه‌دری.</p>			ایوان	
<p>-نظم -سازمان‌دهی -قلمروپایی -امنیت روانی -محرمیت</p>	<p>-وجود اتاق‌ها با کاربری‌های مختلف در چهار طرف حیاط که اکثراً با حیاط ارتباط مستقیم دارند و بعضاً با ایجاد دالان یا ایوان</p>			اتاق	

	<p>با حیاط در ارتباط‌اند. -وجود تالاری صلیبی شکل با ارتفاع دو طبقه و وجود اتاق سه‌دری در طرفین آن.</p>				
----	----	----	----	زیرزمین	
<p>-تعدادل در نظم -نظم -مردم‌واری -امنیت روانی</p>	<p>-سقف تالار گنبدی شکل و دارای تزئینات مقرنس است. -استفاده از گچبری در سقف اتاق‌ها. -وجود شومینه در اتاق‌ها با تزئینات گچبری و نقاشی در اطراف شومینه.</p>		داخلی	تزئینات	
<p>-تعدادل در نظم -اقلیم -نظم -مردم‌واری -محرمیت -امنیت روانی</p>	<p>-استفاده از در و پنجره‌های مشبک چوبی. -نرده‌های چوبی. -قوس‌های پنج و هفت در نما. -قوس‌های اروپایی (قوس چهل خم). -تزئینات گچبری و نقاشی. -تزئینات معرق آجرکاری در سه جبهه بنا.</p>	  	خارجی		

					-سردر بنا دارای تزیینات معرق آجرکاری. -نقوش آجرکاری‌ها شامل نقش مایه موج و سلی، مربع قناس، هشت و چهار سلی، شمسه چهارلنگه یا هشت و چلیپا و ...
--	--	--	--	--	---

در پایان طبق بررسی‌ها و مشاهدات انجام‌شده در عناصر کالبدی و تزیینات خانه‌های آرامنه در جلفای اصفهان براساس مؤلفه‌های پایداری فرهنگی، می‌توان به موارد ذکرشده در جدول ۷ رسید.

جدول ۷: جمع‌بندی و تحلیل عناصر کالبدی و تزیینات نمونه‌های پژوهش‌شده براساس مؤلفه‌ها و شاخص‌های پایداری فرهنگی

مؤلفه‌ها	نتایج
تعادل در نظم	- تناسب ارتفاع کلی ساختمان و فضاها با نیازهای افراد - هماهنگی تمام قسمت‌ها معمولاً براساس نیازهای اساسی افراد و خانواده است و به این طریق فضاهای مختلف در کنار یکدیگر شکل گرفته است.
فضای سبز	- وجود فضاهای باز جهت ایجاد فضای زیبا و آرامش‌بخش. - وجود دیوارهای قطور و سقف‌های چوبی. - استفاده از عنصر آب برای ایجاد خرد اقلیم.
اقلیم	- در و پنجره‌های بزرگ جهت استفاده بهینه از نور طبیعی. - استفاده از مصالح بومی. - نور و سایه به‌عنوان عنصر مهمی در معماری مورد توجه بوده که این عناصر به شکل‌دهی به فضا و حتی افزایش عمق فضا کمک می‌کردند.
دید و منظر	- وجود عناصری که باعث ایجاد ارتباط احساسی با محیط خارجی، طبیعت و جو اطراف به داخل خانه شود. - فضاهای باز و حیاط‌ها به افراد اجازه می‌داد تا از طبیعت لذت ببرند و با محیط بیرونی ارتباط برقرار کنند. - استفاده از جزئیات معماری از جمله استفاده از نماها و نشانه‌های بیرونی و طراحی‌های خاصی که به اتصال خانه به محیط خارجی کمک می‌کرد. - ترکیب عناصر مختلف معماری و تزیینات مانند استفاده از مصالح طبیعی مثل چوب یا نمادها و تزیینات محلی و فرهنگی مثل نقاشی‌ها.
نظم	- ارتباط بین ساختمان و محیط اطراف و همچنین تطابق بین معماری داخل و خارج بنا که باعث یکپارچگی در کالبد و منظر می‌شود.
سازمان‌دهی	- ایجاد ارتباط بین فضاها و افزایش احساس نزدیکی بین ساکنان. - استفاده از نقشه‌های ساده و قابل فهم و جهت‌یابی آسان.
مردم‌واری	- پرهیز از فرم‌های هندسی پیچیده و استفاده از فرم‌های ساده مانند مربع و مستطیل. - توجه به نیازها و راحتی انسان در طراحی و ساختار خانه؛ به‌گونه‌ای که احتیاجات انسانی را برطرف می‌کرد و باعث احساس امنیت و آرامش ساکنان خانه می‌شد.
محرمیت	

<p>- استفاده از هشتی، دالان و فضاهایی با عملکرد مشابه، برای حفظ حریم خصوصی و ارزش‌های فرهنگی و همچنین ایجاد حس امنیت.</p>	<p>قلمروپایی</p>
<p>- طراحی با در نظر گرفتن احساساتی چون تعلق، امنیت، راحتی و آرامش در مکان زندگی مانند ارتباط با فضا، احترام به حریم خصوصی، برنامه‌ریزی فضایی و...</p>	<p>امنیت روانی</p>
<p>- کنترل فعالیت‌های داخلی و خارجی - حفظ ساختار و طول عمر خانه و ایجاد شرایط زندگی مطلوب.</p>	<p>امنیت فیزیولوژیک</p>
<p>- تفکیک فضاها با توجه به نیازها. - ارتباط بین فضاها. - توجه به وجود خلوت و ازدحام در فضاها. - قرارگیری فضاهای خصوصی در نقاط دورتر و خلوت‌تر خانه. - فضاهایی مثل اتاق نشیمن و حیاط داخلی معمولاً برای فعالیت‌های گروهی و اجتماعی استفاده می‌شدند. - وجود فضاهای سبز در داخل خانه، ساخت حیاط‌های مرکزی، حوض آب، باغچه‌ها و باغ‌ها.</p>	<p>اجتماع‌پذیری</p>

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این پژوهش، درباره تأثیر مؤلفه‌های پایداری فرهنگی در تزئینات و ساختار کالبدی در خانه‌های ارامنه است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: پایداری فرهنگی به حفظ فرهنگ‌ها و سنت‌های متنوع و در عین حال ترویج تبادل قابل احترام متقابل فرهنگی، درک و همکاری در جوامع مختلف اشاره دارد. مؤلفه‌های تأثیرگذار در پایداری فرهنگی شامل تعادل در نظم، فضای سبز، اقلیم، دید و منظر، نظم، سازمان‌دهی، مردم‌واری، محرمیت، قلمروپایی، امنیت روانی، امنیت فیزیولوژیک و اجتماع‌پذیری است. با بررسی شیوه معماری خانه‌های ارامنه مشخص شد که به صورت کلی می‌توان خانه‌های ارامنه را به دو دسته درون‌گرا و برون‌گرا تقسیم کرد. در خانه‌های پژوهش شده، که متعلق به دوره صفویه است، شیوه معماری آن‌ها مشابه دیگر خانه‌های ساخته‌شده در این دوره در اصفهان است و به صورت درون‌گرا ساخته شده و اکثراً در عناصر کالبدی و فضاهای موجود، مشابه یکدیگرند. همچنین با بررسی تزئینات موجود در خانه‌های ارامنه، عناصری همچون قوس‌ها و نقاشی‌های دیواری به سبک اروپایی وجود دارد که هریک براساس فرهنگ، داستان‌ها و رویدادهای تاریخی ارامنه ساخته شده‌اند. مؤلفه‌های ذکر شده برای پایداری فرهنگی، در سه دسته از نظر اهمیت تقسیم‌بندی می‌شود که این تقسیم‌بندی، براساس تکرار آن‌ها در عناصر کالبدی و تزئینات خانه‌های پژوهش شده انجام شده است. بر مبنای این تقسیم‌بندی، در عناصر خارجی خانه‌ها، مؤلفه‌های نظم، مردم‌واری، اقلیم و امنیت روانی در درجه اول از نظر اهمیت و تعادل در نظم، اجتماع‌پذیری و دید و منظر در درجه دوم و محرمیت، قلمروپایی، فضای سبز، سازمان‌دهی و امنیت فیزیولوژیک اهمیت کمتری به نسبت دیگر مؤلفه‌ها دارند. همچنین این مؤلفه‌ها در عناصر داخلی بررسی شدند و این نتیجه به دست آمد که مؤلفه‌هایی چون امنیت روانی، تعادل در نظم و سازمان‌دهی از اهمیت زیادی برخوردارند و نظم، مردم‌واری، محرمیت، قلمروپایی و اقلیم در جایگاه بعدی قرار دارند و در جایگاه کم‌اهمیت‌تر، اجتماع‌پذیری، فضای سبز، دید و منظر و امنیت فیزیولوژیک قرار دارند.

به‌طور کلی تأثیر فرهنگ در تزئینات و ساختار کالبدی در خانه‌های ارمنی جلفای اصفهان، از اهمیت بسیاری برخوردار است. فرهنگ ارمنی با فرهنگ ایرانی به خوبی تداخل و تعامل داشته است؛ بنابراین در تزئینات و ساختار کالبدی خانه‌ها، از عناصر معماری و هنری ایرانی الهام گرفته شده است. این تأثیرات در الگوها، نقوش، نمادها، مصالح ساختمانی و حتی در استفاده از زیرساخت‌های سنتی معماری ایرانی، مانند باغچه‌ها و آب‌نماها مشاهده می‌شود. این تداخل فرهنگی در نهایت به ایجاد هویتی خاص و متمایز برای خانه‌های ارمنی در جلفای اصفهان منجر شده که از طریق آن، یک تلفیق منحصر به فرد از دو فرهنگ به وجود آمده است. این پژوهش درباره تأثیر مؤلفه‌های پایداری فرهنگی در تزئینات و ساختار کالبدی در خانه‌های ارامنه اصفهان بود. امید است در آینده، پژوهش‌هایی مشابه برای دیگر کاربری‌های شهر اصفهان یا درباره خانه‌های ارامنه در سایر شهرهای ایران صورت پذیرد و در ادامه آن، بررسی تطبیقی میان خانه‌های ارامنه و معماری آن‌ها در شهرهای مختلف ایران و همچنین دیگر ابعاد معماری پایدار در خانه‌ها صورت گیرد.

منابع

- اسمیت، آنتونی دی. (۱۳۸۳). ناسیونالیسم، نظریه ایدئولوژی تاریخ. ترجمه منصور انصاری. تهران: انتشارات تمدن ایرانی، مؤسسه مطالعات ملی.
- اعرابی هاشمی، شکوه سادات (۱۳۹۴). ارامنه جلفای نو در عصر صفوی. تهران: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- آشوری، داریوش (۱۳۹۷). تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ. تهران: انتشارات آگاه.
- بشیر، حسن و سلیمان‌زاده، علی (۱۳۹۳). نظریه هم‌فرهنگی و گروه‌های هم‌فرهنگ: مطالعات مناسبات ارامنه در ایران. مطالعه میان فرهنگی، (۲۱)۹، ۱۲۳-۱۴۴. <http://doi.org/20.1001.1.17358663.1393.9.21.6.5>
- پارسایی، آزاده و جمشیدی، حسینعلی (۱۳۹۵). باززنده‌سازی عنصر حیاط مرکزی در مجتمع مسکونی و حصول کارایی بالاتر. همایش زن، معماری و شهر، تهران. <https://civilica.com/doc/266017>
- پدرام، بهنام و حریری، آزاده (۱۳۹۵). خانه‌های تاریخی با نقشی فراتر از مسکن در بافت تاریخی اصفهان. پژوهش‌های معماری اسلامی، (۲)۴، ۷۴-۸۹. <http://jria.iust.ac.ir/article-1-487-fa.html>
- پطروسیان، بغوس (۱۹۷۴). زندگی ساکنان قدیمی جلفای نو. اصفهان: چاپخانه کلیسای وانک.
- پورنادری، ارغوان، ایزدی، محمدسعید، قلعه‌نویی، محمود و پورنادری، حسین (۱۳۹۸). شناخت تحولات ریخت‌شناختی کلیساهای ارمنی جلفای نو در تعامل با معماری اصفهان. باغ نظر. (۷۹)۶، ۱۵-۲۸. <http://doi.org/10.22034/bagh.2019.132140.3581>
- تقوایی، ویدا (۱۳۹۸). آشنایی با بناهای تاریخی. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- حکمت‌پناه دهکردی، فاطمه و کاراحمدی، مهران (۱۴۰۰). بررسی مؤلفه‌های معماری پایدار در خانه‌های تاریخی ارمنیان جلفای نو اصفهان (نمونه موردی: خانه‌های خواجه پطرس، سوکیاس و هوسپ امیرخان). چهارمین کنفرانس بین‌المللی و پنجمین کنفرانس ملی عمران، معماری، هنر و طراحی شهری، تبریز: دانشگاه خوارزمی و دانشگاه شهرکرد و دانشگاه هنر اسلامی تبریز. <https://civilica.com/doc/1427675/>
- خدابخشیان، مقدی (۱۳۸۵). طراحی مجموعه فرهنگی ارمنیان در اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری. دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان.
- خدابخشیان، مقدی (۱۳۹۴). معماری خانه‌های تاریخی ارمنیان جلفای نو اصفهان. فصل‌نامه فرهنگی پیمان، (۷۴)۱۹، ۱۸۵-۲۰۷.
- دانائی‌نیا، احمد و ترکی باغبادرانی، حامد (۱۳۹۹). شاخصه‌های مؤثر در محله‌گزینی شهروندان اصفهانی در بافت تاریخی. معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، (۳۱)۱۳، ۵۳-۶۵. <http://doi.org/10.22034/AAUD.2020.118031.1441>
- رازانی، مهدی و الماسی‌نیا، پژمان (۱۳۹۲). خانه سوکیاس در جلفای نو اصفهان: تاریخچه، معماری، تزئینات و تعمیرات. دوفصل‌نامه تخصصی دانش مرمت و میراث فرهنگی، (۲)۸، ۵۷-۷۰.
- روضاعی‌پور، مرتضی (۱۳۹۰). مطالعه فضای شهری محله جلفا اصفهان در عهد صفوی با تکیه بر خانه‌های مسکونی و دیدگاه باستان‌شناسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دوره اسلامی. دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی.
- زمانی، هاجر (۱۳۸۷). تأثیرپذیری تزئینات کلیساهای اصفهان از معماری دوره صفوی. مطالعات هنر اسلامی، (۸)۵، ۶۹-۸۶. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1206500>
- سخی‌نیا، روشنک، کرمی، اسلام، رفیعیان، مجتبی و جوان فروزنده، علی (۱۳۹۹). پایداری فرهنگی، تراکم و گونه‌شناسی مسکن، مطالعه موردی: نمونه‌هایی از عرصه‌های مسکونی کلانشهر تبریز. شهر ایرانی اسلامی، (۳۸)۱۰، ۶۵-۷۴. <https://iic.ihss.ac.ir/Article/13563/iic.ihss.ac.ir>
- صالحی میلانی، ساسان و محمدی، مریم (۱۳۸۹). اهداف و شاخص‌های تحقق پایداری فرهنگی. نامه معماری و شهرسازی، (۵)۳، ۹۷-۸۱. <http://doi.org/10.30480/aup.2011.183>

- قدوسی، هدی (۱۳۹۲). پایداری فرهنگی، معماری و مدیریت شهری. همایش ملی معماری، فرهنگ و مدیریت شهری. کرج، مرکز آموزشی علمی-کاربردی شهرداری کرج و دفتر معماری دید. <https://civilica.com/doc/256094/>
- کاراپتیان، کاراپت (۱۳۸۵). خانه‌های ارامنه جلفای نواصفهان. ترجمه مریم قاسمی سیچانی. تهران: مؤسسه تألیف ترجمه و نشر آثار هنری متن. معماریان، غلامحسین (۱۳۷۵). آشنایی با معماری مسکونی ایران: گونه‌شناسی درون‌گرا. تهران: انتشارات سروش دانش.
- منوچهر، محمد (۱۴۰۰). بررسی وجوه تمایز خانه‌های ارامنه جلفا با خانه‌های مسلمانان (مطالعه موردی: خانه‌های خواجه پطروس و سوکیاس). فصل‌نامه پژوهش‌های مکانی فضایی، ۵(۴)، ۴۷-۵۸. <https://doi.org/10.22034/jspr.2021.702069>
- مهدوی، سیدمحمدصادق و توکلی قینانی، فرحناز (۱۳۸۸). هویت قومی ارامنه: مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر در استمرار قومی ارامنه (مطالعه روی ارامنه تهران). پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، ۳(۴)، ۷۱-۱۰۱. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1016246>
- Brown, P., & Mills, D. (2004). *Art and Wellbeing. Sydney: Australian Council for the Arts.*
- Garrett, P., Coupland, N., & Williams, A. (2003). *Investigating language attitudes: Social meanings of dialect, ethnicity and performance.* University of Wales Press. <https://doi.org/10.1017/S0047404505210163>
- Newman, P., & Kenworthy, J. (1999) *Sustainability and Cities: Overcoming Automobile Dependence.* Washington, DC: Island Press.
- Simoni, P., & Hojjat, A. (2016). The Architectural Identity and Crucial Role of Armenian Churches in Isfahan. *Modern Journal of Language Teaching Methods*, 6(4-6), 130-140. https://www.researchgate.net/publication/359769219_The_Architectural_Identity_and_Crucial_Role_of_Armenian_Churches_in_Isfahan
- UNESCO (2001). *Universal Declaration on Cultural Diversity*, Adopted by the 31st General Conference of UNESCO. <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000127162>
- UNESCO (2005). *Convention on the Protection and Promotion of the Diversity of Cultural Expressions*, Adopted by the 33rd General Conference of UNESCO. <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000142919>
- World Conservation Union (1991). U.N, Environment program and World Wide Fund for Nature.
- Yengimolki, A. (2023). The Emergence of a New Identity: Armenians in Safavid Isfahan. *Journal of Religious Minorities under Muslim Rule*, 1(2), 161-179. <https://doi.org/10.1163/27732142-bja00007>

The influence of cultural sustainability components on decorations and physical structure in Armenian houses (Safavid period)

Negar Zare^{1*}, Asal Bagheriyan², Mehran Karahmadi³

¹ MA. Student in Department of Architecture and Urban Planning, Technical and Engineering Faculty, Shahid Ashrafi Isfahani Non-Governmental University, Isfahan, Iran.

² MA. Student in Department of Architecture and Urban Planning, Technical and Engineering Faculty, Shahid Ashrafi Isfahani Non-Governmental University, Isfahan, Iran.

³ Assistant Prof. and Faculty Member, Department of Architecture and Urban Planning, Technical and Engineering Faculty, Shahid Ashrafi Isfahani Non-Governmental University, Isfahan, Iran.

Abstract

Apart from housing, houses can have different functions such as the platform for various social, cultural and political activities. In addition to this, the physical structure of the houses and their facades and decorations are affected by the social, climatic, political and cultural situations of the region and its residents, and this is the reason why there is a great variety in terms of the appearance of the houses in different places and also a special style in a We are witnessing the area. Cultural sustainability is defined in the form of preserving cultural identity, tolerance of change in accordance with the cultural values of the people, and with the knowledge of the components of cultural sustainability, the architectural character of a building can appear as a cultural product. The presence of Armenians in Jolfa of Isfahan with a different culture compared to the majority caused this research to be conducted with the aim of investigating the components of cultural sustainability on the type of house construction in this area.. The results of this research show that cultural sustainability refers to the preservation of diverse cultures and traditions while at the same time promoting respectful mutual cultural exchange, understanding and cooperation in different societies. Among the components mentioned for cultural sustainability, in the external elements of the researched houses, the components of order, people-centeredness, climate and psychological security, as well as components such as psychological security, balance in order and efficiency in the internal elements, are of great importance.

Keywords: Cultural Sustainability, Physical Structure and Decorations in Architecture, Jolfa Neighborhood in Isfahan, Armenian Historical Houses